



چهارشنبه ۲۲ دی ۱۴۰۰

وطن امروز | شماره ۳۲۹۹

فرهنگ و هنر

اخبار

«فی‌المدت‌المعلوم ۲»

بهمن‌ماه‌کلیدمی‌خورد



فیلم سینمایی «فی‌المدت‌المعلوم ۲» به‌عنوان یک فیلم کم‌دی‌اجتماعی به کارگردانی رؤیا شریف بهمن‌ماه جلوی دوربین می‌رود.

به گزارش «وطن‌امروز»، فیلم سینمایی «فی‌المدت‌المعلوم ۲» به عنوان یک فیلم کم‌دی‌اجتماعی به کارگردانی رویاشریف‌وتیپه‌کنندگی‌مسترک‌سیدمحسن‌جاهد و رویا شریف به بررسی معضلات جوانان از سن بلوغ تا رسیدن به سن ازدواج می‌پردازد و در بهمن‌ماه جلوی دوربین می‌رود. بازیگرانی که حضورشان در این فیلم قطعی شده است عبارتند از: امیرحسین رستمی، مهدی سلطانی سروستانی، صبا گرگین‌پور و هولیا دیکن بازیگر زن ترکیه‌ای. تعدادی از عوامل اصلی این فیلم عبارتند از: فیلمنامه‌نویس: مهدی‌علی‌میرزایی، مدیر فیلمبرداری: سیدمحسن‌جاهد، مدیران تولید: سعید بصیری و رزا شریف، برنامه‌ریز: علی‌جاهد، طراح گریم: مهری شیرازی، طراح لباس: مهدیه‌ذاکری، مشاور رسانه‌ای: آرین حبیبزاده.

■ ■ ■

پایان‌مراحل‌فنی‌فیلم‌سینمایی «بی‌رؤیا»



مراحل فنی فیلم سینمایی «بی‌رویا» به کارگردانی آرین وزیردفتری به پایان رسید.

به گزارش «وطن‌امروز»، فیلم سینمایی «بی‌رویا» به کارگردانی آرین وزیردفتری پس از پشت‌سر‌گذاشتن آخرین مراحل فنی و پست‌تولید آماده‌نمایش در چهلمین جشنواره فیلم فجر شد.

«بی‌رویا» عنوان نخستین فیلم بلند سینمایی آرین وزیردفتری است. این فیلم با فیلمنامه‌ای به نگارش او و به تیپه‌کنندگی‌مسترک‌سعید‌سعدی و هومن سیدی در زمستان سال گذشته جلوی دوربین رفته است. فیلم سینمایی «بی‌رویا» نخستین تجربه هومن سیدی در مقام تهیه‌کنندگی فیلم بلند سینمایی است. طراز طباطبایی، صابر ابر و شادی کرهورودی بازیگران اصلی این فیلم سینمایی هستند. وزیردفتری پیش‌تر برای ساخت فیلم کوتاه «هنوز نه...» جوایزی نظیر سیمرغ بهترین فیلم کوتاه آسیایی از جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، جایزه بزرگ بخش بین‌الملل و جایزه «هنروتجربه» از جشنواره فیلم کوتاه تهران، جایزه بهترین فیلم تجربی از هشتمین جشن مستقل فیلم کوتاه، جایزه تیک و جایزه بزرگ جشنواره فیلم کوتاه پوسان را به دست آورده است.

همچنین فیلم کوتاه «هش پل بچه‌آدم» ساخته‌وزیردفتری در بخش سینمافونداسیون جشنواره کن، جشنواره هونسکای اسپانیا و جشنواره فیلم شانگهای حضور داشته است. در خلاصه‌داستان فیلم سینمایی «بی‌رویا» آمده‌است:مواجهه رویا با دختری بی‌نام‌و‌نشان، آغاز اتفاقاتی عجیب در زندگی رویا و بابک است.

■ ■ ■

«خنداننده شو» به کجا رسید؟



با اعلام آرای مردمی، مرحله دوم «خنداننده شو» با ۱۲ نفر استندآپ کم‌دین ادامه پیدا می‌کند.

به گزارش «وطن‌امروز»، به دنبال بررسی ۳ میلیون رای، ۸ نفر از شرکت‌کنندگان دور بعد خنداننده شو به ۴ نفر اول پیوستند. ضبط این برنامه همزمان با مشخص شدن افراد راه‌افته به مرحله بعد با حضور مدیران شبکه نسیم، شرکت‌کنندگان، داوران و مربیان صورت گرفت و نتایج آرای مردمی اعلام شد. در حاشیه این برنامه، محمداحسنان، وقت‌تیم‌گفت‌و‌گو با عوامل برنامه داوران و دست‌اندرکاران، از تلاش و وقت‌تیم‌تولید برای انتقال هر چه بهتر و موثر حال خوب به مردم قدردانی کرد و اقبال رو به رشد «خندانوه» در نظرسنجی‌های اخیر مرکز تحقیقات سازمان را مؤید این اتفاق دانست و بر انتقال تجربه و همکاری با چهره‌های نوظهور این هنر تأکید کرد. مدیر شبکه نسیم در جمع شرکت‌کنندگان سومین دوره «خنداننده شو» ضمن تشکر از حضور، تلاش و صبوری تک‌تک دست‌اندرکاران برنامه، صحنه «خندانوه» را فرصتی قی‌قیمت‌واستثنایی برای ورود چهره‌های جدید به صحنه هنر عنوان کرد و از شرکت‌کنندگان خواست تا ضمن تلاش مضاعف و مراقبت از آفات شهرت، این عرصه را به فرصتی برای ادامه مسیر و زندگی حرفه‌ای تبدیل کنند. رامبد جوان نیز با اشاره به اهداف ساخت این برنامه از شرکت‌کنندگان خواست تا این صحنه را شروع رسمی کار حرفه‌ای خود بدانند و با قدردانی از همه کسانی که به این عرصه وارد شده‌اند، تأکید کرد: افراد حاضر در این برنامه مانند زنجیر و حلقه‌های این هنر هستند؛ هنری که از فرقه اول «خنداننده شو» آغاز شده و با معرفی چهره‌های جدید به این راه ادامه خواهد داد. این برنامه که با حضور تمام شرکت‌کنندگان داوران و مربیان برگزار شده، سه‌شنبه ۲۱دی‌ساعت ۲۳ روی آنتن خواهد رفت و نتایج به صورت رسمی اعلام خواهد شد.

حضرت امام حسن عسکری (ع):

تمام پایدی‌ها و رشتی‌ها در خانه‌های بناده شده که کلید آنها دروغگوئی است.

نگاهی به فیلم 'Don't Look Up'
که حکمرانی‌واشنگتن‌را به صراحت نقد می‌کند

این آمریکا را ببین!



رضا کردلو: جان فورد فیلمی دارد به نام The Last Hurrah که سال ۱۹۵۸ ساخته شده است؛ فیلمی قابل تأمل که به‌خاطر تعدادزیناکارهای‌خوب‌جان‌فورد، کمتر دربارش صحبت شده‌است.از جهاتی‌اما «آخرین‌هورا» (The Last Hurrah) فیلم قابل تأملی است؛ فیلمی که دوران گذار از دوراهی به دوره دیگر را بخوبی به تصویر می‌کشد. همچنین تأثیر محصولات روزگار مدرن بر مناسبات سیاسی - اجتماعی را به بهانه طرح یک درام سیاسی نشان می‌دهد. در آخرین‌هورا، «تولویزون» مبدأ و منشأ بسیاری از تغییرات اجتماعی است. آنچنان که می‌دانیم دهه ۱۹۵۰ دوراهی‌تلاایی در پیشرفت‌تولویزیون است. از آغاز نیمه دوم دهه ۵۰ تولویزون‌های سیاه و سفید فراگیر می‌شوند. دقیقاً در همان سال‌هاست که هزینه خرید تولویزیون کاهش پیدا می‌کند و بخش‌های فراوانی از جامعه آمریکا می‌توانند به تولویزیون دسترسی پیدا کنند. آخرین‌هورا نیز در همین دوران ساخته شده است. زمانی که تولویزیون بر مناسبات سیاسی و اجتماعی احاطه دارد، ذاته‌ها، سلایق و انتخاب‌ها را جهت می‌دهد و در همین ایام است که شهردار همیشه‌گی شهر دوباره در معرض انتخاب قرار می‌گیرد. آخرین‌هورا داستان انتخابات است. ماجرای شهرداری محبوب و مردمی و به اصطلاح عیار «البته نه پوپولیست» با نام‌فرانک (با بازی اسپنسر ترسی) است که منافع ثروتمندان و متنفذان را با چالش مواجه کرده‌است. توجه ویژه‌ای به مردم دارد و مطمئن است که در انتخابات آتی شهرداری به پیروزی خواهد رسید. صبح روز انتخابات همه چیز خوب است؛ مثل همیشه، مثل پیروزی‌های قبلی.

سکاس آخر اما وقتی رای‌ها را می‌خوانند، ابتدای کار فرانک پیش افتاده است اما آرام آرام رای‌های رقیب بیشتر می‌شود. رقیب فرانک کیست؟! آدمی میان‌مایه، سطحی، به درد نخور، با خاتونه‌ای که نماد روزمرگی‌های مرسوم و متوسطند و سگی دارد از خودشان نجس‌ت‌ر و غیرجذاب‌تر. اطرافیان فرانک مطمئنند فرانک دوباره شهردار می‌شود. پایان ماجرا تلخ است، فرانک ناباورانه شکست می‌خورد و تا پایان شب که همه رای‌ها اعلام شود، در فاصله چند ساعت در مرگی شکوهمندانه می‌میرد. کشیش مارتین از پلنه پایاین می‌آید و می‌گوید: «کسی که می‌رود یک مرد است». اما رقیب

روزنامه‌سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌انتمیاز و مدیرمسئول: محمدآخوندی
سردبیر: سیدعبادین‌نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۱۲۷۲۴ | تخریبی: ۶۶۱۲۷۲۳ | نمابر: ۶۶۱۴۱۳۷ |
پایمک: ۱۰۰۰۲۲۱۱ | پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰



فرانک چرا می‌تواند او را شکست دهد؟! آنطور که جان فورد نشان داده است، بیشتر به خاطر اینکه بلد است از تولویزیون به عنوان یک رسانه نو و جدید که تازه در جامعه آمریکا جا باز کرده، استفاده کند. در حالی که یک «هیج» بزرگ است و هیچ‌کس او را نمی‌شناسد اما پشت صحنه سرمایه‌داران و بانکداران و متنفذان به دنبال گرفتن شهرداری از ترسی پشت این موجود بی‌مایه‌ایستاده‌اند. تولویزیون پوپولیسم را رنگ می‌کند و صورتبندی دموکراتیکی از آن ارائه می‌دهد. ذاته سیاسی و اجتماعی و آرای مردم را نیز جهت می‌دهد و در تنزل و سطحی شدن آنها نقش دارد.

از منظری که آخرین‌هورای جان فورد درباره تولویزیون اعلام موضع می‌کند، می‌توان Don't look up فیلم مهم تفلیکس در نقد «جامعه و جهان آمریکایی» را یک پروژه موفق در نمایش سطح ابتدال «شبکه‌های اجتماعی» دانست. البته فیلم بسیار کلان‌تر از موضوع شبکه‌های اجتماعی، دارد نظام سرمایه‌داری، دموکراسی غربی، جهان تک‌قطبی، مواجهه سیاسی با تغییرات آب و هوایی و جامعه مصرفی را نقد می‌کند اما از آنجا که محل ظهور و بروز و نتیجه‌ای ساختارها و الفاظ در شبکه‌های اجتماعی برجسته می‌شود و دیگر رسانه‌ها (برنامه تولویزیونی، موسیقی رپ و...) نیز نقش پررنگی در قصه فیلم دارند، ماجرای آخرین‌هورا بیشتر زنده می‌شود. در Don't look up در واقع صریح‌تر این اتفاق

می‌افتد. یکی از کسانی که بعد از دیدن فیلم به او فکر می‌کردم، اولیور استون بود. اولیور استون یکی از سینماگرانی است که در بسیاری از فیلم‌هایش با قصه‌پردازی‌های چندلایه تلاش کرده نظام تبعیض‌مسک، سیاست‌های جنگ‌طلبانه و رویکردهای ضدمردمی نهاد حکومت در آمریکا را نقد کند. به تصور Don't look up از نظر محتوایی بسیاری از آثار استون را در عین ارزشمندی، از نظر سطح آونگارد بودن و از نظر محتوا از رده خارج می‌کند؛ اگر چه تمایزات ژانری را نمی‌توان در شکل‌گیری فضاهای متفاوت نادیده گرفت. فارغ از گرایشات جمهوری‌خواه-دموکرات سینماگران در آمریکا و تأثیر این گرایش‌ها بر طرح سیاست‌های فیلمسازی آنها- و البته با پذیرش این گزاره که با رشد پلتفرم‌های نمایش خانگی، از میزان تسلط هیات حاکمه آمریکا بر سینمای آمریکا کاسته شده است- به هیچ وجه نمی‌توان انتقادهای

صداهایی که هنوز به گوش می‌رسد

نگاهی به مستند شهرک دارخوین



کرده تا روایتی هر چند کم‌جان در قصه‌گویی اما تأثیرگذار را به مخاطبش ارائه دهد.

شهرک دارخوین پسر از ماجراهایی با تم‌های متنوع است؛ از تأسیس یک کارخانه یخ و برگرزاری تئاترهایی به‌غایت ایدئولوژیک تا حضور آیت‌الله

خامنه‌ای و محسن رضایی و جلسات پرسوز و گناز دعا و مناجات‌بچه‌های اصفهان در شب‌های جنگی.

با تک جملات بالا احتمالاً حدس زده‌اید با چه مستندی

کرده تا روایتی هر چند کم‌جان

در قصه‌گویی اما تأثیرگذار را به مخاطبش ارائه دهد.

شهرک دارخوین پسر از ماجراهایی با تم‌های متنوع است؛ از تأسیس یک کارخانه یخ و برگرزاری تئاترهایی به‌غایت ایدئولوژیک تا حضور آیت‌الله

خامنه‌ای و محسن رضایی و جلسات پرسوز و گناز دعا و مناجات‌بچه‌های اصفهان در شب‌های جنگی.

با تک جملات بالا احتمالاً حدس زده‌اید با چه مستندی

علیرضا قزوه در آیین معارف‌هاش به عنوان رئیس دفتر موسیقی صداوسیما:

با موسیقی و صداوسیما بیگانه نیستم



زخم‌هایی که از گذشته هنوز باقی مانده بود، پیش رفت و الان آماده است به آقای قزوه برسد.

در ادامه مراسم معارف‌ها قزوه در جایگاه قرار گرفت و در سخنانی ترمیم کرد: اول انقلاب، سرود و شعار بود؛ البته نه به معنای شعاری، بلکه به معنای شعر ناب. ارزش دفتر شعر و موسیقی ارزشی بالاست. دنیا اتفاقی مثل جنگ دوم جهانی را از سر گذراند و شاید کسی نداند عاملش ادبیات فاشیستی بود.

وی درباره ارزش شعر عنوان کرد: در روزگار ما شعر را به خدمت‌رسانی و بیگاری موسیقی گرفت‌اند.

قزوه با اشاره به لزوم بازنگری در بودجه‌ها گفت: بد است که بچه‌های موسیقی استن‌ها با ۱۰۰ تومان و ۲۰۰ تومان کار بسازند.

وی ادامه داد: دیدم‌ام درباره من زیاد نوشته‌اند که چیزی از موسیقی نمی‌دانم، بله! وقتی بزرگان هستند، من چیزی نمی‌دانم اما با این فضا بیگانه نیستم و تلاش می‌کنم کمک و خدمت کنم.

قزوه تأکید کرد: مکتب من مکتب حاج‌قاسم است. من واقعا تلاش می‌کنم در کنار عزیزان باشم، کار تولید کنیم و اتفاق تازه رقم بزنیم.



بالا را نگاه نکن! نظمی‌ورای‌نظم

کنونی‌نخواهی‌یافت

احسان راستین: «بالا را نگاه نکن» در ظاهر اثری طنز است اما در باطن سعی دارد انگاره‌های مهمی را به بیننده‌القا کند. فیلم در تلاش است نشان دهد چگونه مردم تنها به وضعیت «Immediate» و آنی خود اهمیت می‌دهند. همین امر باعث می‌شود تا روابط خصوصی یک خواننده برای مردم مهم‌تر از شهاب سنگ یا دنباله‌داری باشد که قرار است بزودی تمام بشریت را نابود کند. در واقع توده مردم فقط درگیر تجربه بلاواسطه روزمره خود هستند و همین باعث می‌شود مردم به تجربه‌اصیل همراه با تعقل دسترسی نداشته باشند. علاوه بر مردم، سیاستمداران نیز تنها به وضعیت آنی خوداهمیت می‌دهند؛ رئیس‌جمهور به تنها چیزی که اهمیت می‌دهد انتخابات پیش رویش است. شهوت قدرت و توجه صرف به وضعیت آنی و فوری باعث می‌شود تا او حتی توانایی درک این‌را نداشته باشد که بزودی بشریت نابود خواهد شد و پیروزی یا شکست در انتخابات کوچک‌ترین اهمیتی نخواهد داشت.

پیام دیگر فیلم که به نظر از اهمیت زیادی برخوردار است، مغایره این انگاره است که تغییر وضع موجود ممکن نیست، مردم و جامعه ارزش نجات‌یافتن ندارند و هر مبارزهای در این راه به شکست می‌انجامد و در نهایت چاره‌ای جز پذیرش وضع موجود نیست. دانشمندان که در اینجا نمادی از افراد آگاه جامعه هستند در تلاشند تا جامعه را از خطری قریب‌الوقوع آگاه کنند و آن را نجات دهند. غافل از آنکه جامعه در برابر بدیهی‌ترین امور نیز با آنان مخالفت می‌کند. در نهایت تلاش دانشمندان برای آگاه‌سازی جامعه به شکست می‌انجامد و جالب آنجاست‌که حتی یکی از این دانشمندان تنها تسلیم وضع موجود می‌شود، بلکه جزئی از وضع موجود می‌شود و به استخدام دولتی درمی‌آید که پیش از این در تلاش بود آنان را از واقعیت‌امر و خطر قریب‌الوقوعی که زمین را تهدید می‌کرد آگاه کند و در واقع به بخشی از نظم موجود بدل می‌شود. در حقیقت به بیننده اینطور القا می‌شود که هیچ تلاش و مبارزهای برای اصلاح وضع موجود جهان و قیام علیه آن فایده‌ای نخواهد داشت و هیچ راهی جز پذیرش نظم و وضعیت موجود نیست. حال باید دید چه اتفاقی رخ چه داده است که هالیوود به این سمت حرکت کرده تا آثاری در دفاع از پذیرش وضع موجود و علیه هرگونه قیام، انقلاب و اصلاح بسازد. شاید بتوان دلیل ساخت این نوع آثار در مدامت هرگونه حرکت اصلاحی و اعتراضی را در یادداشت‌اخیر فرانتسیس فوکویاما، نظریه‌پرداز معروف آمریکایی یافت: «حمله ۶ ژانویه [سال گذشته] به کنگره آمریکا نقطه عطفی در تاریخ این کشور بود و الگوی آمریکایی لیبرال - دموکراسی که قرار بود بر تمام جهان چیره شود، پاره‌پاره شد. پیش‌بینی‌ها درباره برتری و استیلای نظام حاکمیتی لیبرال - دموکراسی بر جهان، ناقص بوده و از جمله تحولاتی که این نقص را افشا کرده‌اند، اتفاقاتی بود که یک سال قبل در کنگره آمریکا رخ داد.»

روبه‌رو خواهید شد.

■ تمنای سفر

مستند شهرک دارخوین تلاش دارد خرده‌قصه‌های جذابی را تعریف کند که یک چار‌دیواری نقطه اشتراک‌شان است؛ یک مکان مقدس رو به تخریب و چند انسان که گویی تلاش می‌کنند از میانه دوین‌دست‌دوباره به آن روزها راهی پیدا کنند.

گاهی داد می‌زنند و گاهی گریه می‌کنند تا شاید جلوی ریزش دیوارهای شهرک از بی‌توجهی‌ها را بگیرند اما گویا در

بیابان‌های جنوب صدا به صدا نمی‌رسد.

نمایهای انتهایی مستند نمای شهرکی است در استانه

ریزش. چند قدم مانده به فرود آجرها. شهرک دارخوین گوشه‌های نشست‌ه، منتظر و تکیده تا شاید حاج‌حسین خرازی دوباره بچه‌های لشکر ۱۴ اصفهان را در حیات آن به خط کند.

زخم‌هایی که از گذشته هنوز باقی مانده بود، پیش رفت و الان آماده است به آقای قزوه برسد.

در ادامه مراسم معارف‌ها قزوه در جایگاه قرار گرفت و در سخنانی ترمیم کرد: اول انقلاب، سرود و شعار بود؛ البته نه به معنای شعاری، بلکه به معنای شعر ناب. ارزش دفتر شعر و موسیقی ارزشی بالاست. دنیا اتفاقی مثل جنگ دوم جهانی را از سر گذراند و شاید کسی نداند عاملش ادبیات فاشیستی بود.

وی درباره ارزش شعر عنوان کرد: در روزگار ما شعر را به خدمت‌رسانی و بیگاری موسیقی گرفت‌اند.

قزوه با اشاره به لزوم بازنگری در بودجه‌ها گفت: بد است که بچه‌های موسیقی استن‌ها با ۱۰۰ تومان و ۲۰۰ تومان کار بسازند.

وی ادامه داد: دیدم‌ام درباره من زیاد نوشته‌اند که چیزی از موسیقی نمی‌دانم، بله! وقتی بزرگان هستند، من چیزی نمی‌دانم اما با این فضا بیگانه نیستم و تلاش می‌کنم کمک و خدمت کنم.

قزوه تأکید کرد: مکتب من مکتب حاج‌قاسم است. من واقعا تلاش می‌کنم در کنار عزیزان باشم، کار تولید کنیم و اتفاق تازه رقم بزنیم.

وی در پایان سخنانش بیان کرد: درباره من نوشته‌اند که چقدر منصب دارد. روزی به مادرم که او هم چنین تصویری برایش پیش آمد توضیح دادم که اینها به موازات ما بوده است.